

تأثیر عرفان نورسی بر اسلام اجتماعی ترکیه با محوریت اندیشه‌های فتح‌الله گولن

محمد رودگر* قادر حافظ**

فرزاد محمدی***

چکیده

برخی از متفکران همانند جواد طباطبایی و عبدالکریم سروش بر عدم ابتدای سقف سیاست بر ستون عرفان تأکید می‌کنند. در مقابل، برخی جنبشها و دولتهای اسلامی همچون دولت مرعشیان طبرستان، سرداران، دولت اسماعیلی حسن صباح و دولت صفویه ساختار و ماهیتی کاملاً عرفانی دارند. در راستای رابطه ایجابی عرفان و سیاست می‌توان به جنبش اسلام‌گرایی ترکیه اشاره کرد که متأثر آرای عرفانی طریقت نقشبندیه و نورسیه است. این جریان سیاسی - اجتماعی با تأکید بر مولفه‌هایی همچون توجه بر اتحاد جهان اسلام و الگوی تمدنی اسلام، رویکرد مثبت به دستاوردهای تمدن غرب، نقش پر رنگ ابعاد اجتماعی اسلام، توجه به خدمت و رساندن منفعت به مردم، قرائت میانه روانه و متساهلانه از اسلام، تأکید بر اسلام فرهنگی، مبارزه با جهل و تفرقه با تأکید بر آموزش و تساهل نسبت به اقلیتهای مذهبی به شدت متأثر از دیدگاههای عرفانی می‌باشد. حلقه وصل اندیشه‌های عرفانی و اسلام اجتماعی ترکیه اندیشه‌های فتح‌الله گولن می‌باشد. در این مقاله با استفاده از روش تاریخی - تحلیلی سعی می‌گردد تا تأثیر عرفان از طریق

*استادیار گروه عرفان اسلامی پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول) Roodgar@gmail.com

**دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب. Azali.1478@gmail.com

***کارشناس ارشد علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی. Farzad-mu@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹



اندیشه‌های گولن بر عملکرد جریان اسلام‌گرای ترکیه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: عرفان سیاسی، طریقت نقشبندیه، طریقت نورسیه، اسلام اجتماعی، اسلام فرهنگی، فتح‌الله گولن.

۱. مقدمه

رابطه عرفان و سیاست همواره مورد مناقشه میان صاحب‌نظران سیاسی بوده است و از زمانی که عرفان به‌عنوان یک‌راه و روش در تعاملات اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفت، همواره مورد رد و پذیرش و نقض و ابرام متفکران بوده است. عده‌ای راه سعادت و فضیلت عرفانی انسان را در حیات مدنی و سیاسی جستجو می‌کردند و عده‌ای نیز بر حمل ستون سیاست بر عرفان پافشاری دارند. (کمالیان، صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۵۱) به‌عنوان مثال جواد طباطبایی معتقد است که رهاورد عرفان چیزی جز رخوت، رکود، انزوا، افول و سقوط نیست. در حقیقت، وی عرفان را ایدئولوژی توجیه شکست‌های اجتماعی و تاریخی می‌داند و بیان می‌دارد انسان شکست‌خورده برای گریز از شکست، از بیرون به دنیای درون پناه می‌برد. او یکی از مهم‌ترین مشکلات اندیشه سیاسی در دوره ایران اسلامی را که به امتناع و عدم زایش اندیشه معطوف به جامعه و سیاست انجامیده است، سایه سنگین و بلند اندیشه‌های عرفانی می‌داند. همچنین عبدالکریم سروش در کتاب "تجربه نبوی" مخالفت خود با پیوند عرفان و سیاست را بدین گونه استدلال می‌کند که نباید ولایت عرفانی و باطنی را به ولایت ظاهری و سیاسی تسریع داد؛ زیرا در ولایت عرفانی، رابطه مرید و مرادی و اطاعت محض حاکم است، در حالی که حوزه ولایت سیاسی، با اعتقاد به لزوم بسته شدن باب انتقاد و اطاعت صرف، نتایج وحشتناکی به همراه می‌آورد. (کمالیان، صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۵۲) در سایر اندیشه‌ها در جهان اسلام نیز این مهم مطرح است، که یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین آن‌ها، ترکیه و اندیشه‌های سیاسی-اسلامی مطرح در آن می‌باشد. آرای عرفانی نورسی و جایگاه مهم این آراء، در جامعه ترکیه باعث گردید تا طریقت نورسیه در ترکیه و سایر نقاط جهان طرفداران بسیاری پیدا نماید. شاید این مباحث در ابتدا مرتبط با حوزه‌های عرفانی و تصوف بوده ولی در ادامه با ورود به مباحث اجتماعی و سیاسی، از حوزه نظری به حوزه عملی ورود پیدا نموده و تأثیرات بسیاری بر دیدگاه‌های افرادی از جمله فتح‌الله گولن داشته است. آراء عرفانی بدیع‌الزمان نقش بسیار آشکار و روشنی در شخصیت و حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گولن

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۵۹

به عنوان: احیاگر تفکر اسلامی، اصلاح طلب، نظریه پرداز سیاسی، قرآن شناس و مفسر قرآن در دنیای اسلام، به ویژه در ترکیه داشته است. بر اساس مدارک و مستندات، بدیع الزمان نوری ابتدا بر طریقت نقشبندیه تأکید کرده است؛ اما سرانجام با الهام از قرآن، طریقت نوری را بر پایه چهار اصطلاح قرآنی: عجز، فقر، شفقت و تفکر ابداع کرد که در کلیات رسائل النور تبیین نموده است، بررسی آثار او به ما نشان می دهد که بدیع الزمان ضمن پذیرش محاسن بی شمار تصوف و طریقت ها، به ذکر آسیب ها و زیان های طریقت ها نیز پرداخته و از مزایای آن ها در طریقت خود هم بهره برده است؛ به ویژه تأثیرپذیری وی از طریقت نقشبندیه مشهودتر است. نوری یک جماعت دینی و اسلامی است که از نظر ساختاری به طریقه های صوفیانه نزدیک است. در واقع مکتبی عرفانی منسوب به بدیع الزمان سعید نوری و مهم ترین طریقت در ترکیه پس از نقشبندیه محسوب می شود. پیروان نوری را که نوری، نوری، نوری یا جماعت نور می گویند، خود به فرقه های متعدد با آداب، بینش و خط مشی های کاملاً متفاوت (همسویی و خدمت به نظام تا خصومت و دشمنی علنی و بنیادین با آن) تقسیم می شوند. نوری یک طریقت جدیدی بر اساس قرآن و سنت نبوی و با الهام گرفتن از طریقت های دیگر به خصوص طریقت نقشبندی تأسیس کرده است که دارای مشابهات و تفاوت هایی متمایزانی با بقیه طرق صوفیانه است. در شرایط کنونی ترکیه، نوری با داشتن شاخص ها و ویژگی های خاص و برجسته خود، توانسته است بیش از نیم قرن پس از حیات خود، در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی نقش مهمی را ایفا کند. می توان گفت علت این همه اشتهار و تأثیرگذاری وی، این است که تفکرات وی در قرآن، سنت و تمدن اسلامی ریشه دارد و به هیچ وجه از اصول اسلامی عدول نمی کند. دیگر اینکه وی تفسیری پویا و متناسب با زمان از دین اسلام ارائه می دهد که قادر به از بین بردن شرایط بحرانی این عصر باشد. در سالیان گذشته مردم ترکیه به دنبال قرائت هایی از اسلام رفته اند که چندین دهه در برابر اسلام گرایی سیاسی فعالیت می کردند که به اسلام گرایی اجتماعی و یا میانه رو موسوم است. رهبری این جریان را فتح الله گولن بر عهده دارد (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۴). جنبش فتح الله گولن در مرحله رشد جنبش ها و طریقت های دینی در ترکیه، یعنی در دهه ۸۰ قرن بیستم میلادی، سر برآورد. پژوهش حاضر، در تلاش است با بازخوانی و تحلیل آرای عرفانی بدیع الزمان نوری که به عنوان تأثیرگذارترین شخص بر روی گولن بوده است، نقش و دیدگاه عرفانی و

صوفی‌گری را در حوزه اسلام و مباحث اجتماعی و مدنی مرتبط، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۱-۱. تاریخچه اسلام‌گرایی در ترکیه

ترکیه سنت مذهبی پیچیده و خاصی دارد؛ طیفی از سنت‌های پیش از اسلام تا اسلام سنی و از اقلیت‌های کوچک مسیحی ارتدوکس و یهودیان و گروه‌های علوی، شیعه و غیره را شامل می‌شود. با توجه به جهان‌گشایی‌های امپراتوری عثمانی در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، سرزمین پهناور عثمانی دربرگیرنده گروه‌های مختلف مذهبی، ملی و قومی بود. مسلمانان، مسیحیان و یهودیان گروه‌های اصلی دینی این امپراتوری را تشکیل می‌دادند؛ و هریک از آن‌ها نیز به فرقه‌ها و گروه‌های گوناگون تقسیم می‌شدند (موثقی گیلانی و اعتمادی فر، ۱۳۹۳: ۱۹-۱۸). یکی از عوامل گسترش اسلام‌گرایی در ترکیه، ایجاد نظام سیاسی چندحزبی در سال ۱۹۴۶ در راستای فرایند انقلاب دموکراتیک در قرن بیستم، بود؛ با ایجاد این نوع نظام سیاسی، حزب جمهوری‌خواه خلق (به‌عنوان حزبی که گفتمان کمالیسم را به تصویر می‌کشید)، موقعیت انحصاری خود را در قدرت سیاسی از دست داد؛ پس‌از این تاریخ، احزاب سیاسی مجبور بودند تا برای رسیدن به قدرت سیاسی به رقابت با احزاب دیگر بپردازند و به همین دلیل، اسلام به عاملی مهم در جذب آراء تبدیل شد؛ در این راستا، حزب دموکرات که برای ایدئولوژی کمالیسم، ارزش کمتری قائل بود، توانست بیشترین آراء را به دست آورد؛ در حقیقت هدف این حزب، مشروعیت بخشیدن دوباره به اسلام و ارزش‌های سنتی در قوانین رسمی ترکیه بود (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲)؛ یکی دیگر از عوامل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران بوده است. همچنین به نظرمی رسد عاملی دیگر که بر گسترش اسلام‌گرایی در ترکیه تأثیرگذار بوده، اصلاحات اقتصادی و سیاسی انجام‌شده در زمان نخست‌وزیری تورگوت اوزال در اواسط دهه ۱۹۸۰ باشد که بر تقویت گروه‌های اسلامی در جامعه ترکیه اثرگذار بوده، زیرا حرکت از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد و خصوصی‌سازی به آزادی‌های مدنی نیاز داشت؛ این آزادی‌های مدنی، باعث رشد نسبی احزاب، جنبش‌های مدنی و مطبوعات شد و به تدریج زمینه را برای مطرح‌شدن مباحثی در خصوص عناصر اسلام سیاسی درون حوزه‌های عمومی فراهم آورد (واحدی، ۱۳۸۴: ۲۲۵-۲۳۷)؛ درمجموع دولت‌های ناکارآمد، اقتصاد ناسالم، مشروعیت پایین، عدم رعایت حقوق بشر، سرکوب مخالفین و

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۶۱

فقر از جمله عوامل بسترساز داخلی در تقویت جریان‌های اسلام‌گرا نظیر جنبش گولن محسوب می‌شوند، عواملی که در دهه ۸۰ میلادی موجب افزایش ناراضیاتی از اقدامات حکومتی شده بود. در چنین شرایطی اسلام‌گرایی با رویکرد گولن با اقبال زیادی مواجه گردید در حالی که این جریان فاقد تشکیلات و عملکرد واحدی بوده است. به موازات قدرت یافتن این گروه اشکال گوناگونی از اسلام‌گرایی در حال ظهور و تکوین بوده‌اند (نکویی و موسوی ۱۳۹۳: ۱۱۶). برای جریان اسلام‌گرایی ترکیه می‌توان دوره‌های متفاوت زیر را در نظر گرفت:

۱- دوره نخست، از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰، دوره فعالیت سری اسلام‌گرایان: در این دوران که با آغاز حکومت آتاتورک (۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸) و حکومت جمهوری خواهان تا ۱۹۵۰ مصادف است، محدودیت‌های شدیدی برای اسلام‌گرایان به اجرا درآمد که از همین رو، به دوره اسلام زدایی معروف شد (روحانی ۱۳۶۵: ۱۰۴؛ به نقل از نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۱۸).

۲- دوره دوم، از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰: این دوره، دوره احیا و آغاز فرایند بازگشت اسلام‌گرایی به عرصه‌های اجتماعی است که با پذیرش دموکراسی چندحزبی و روی کار آمدن حزب دمکرات و دوحزبی شدن عرصه سیاسی ترکیه و نخست‌وزیری عدنان مندرس (۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰) آغاز شد. در دوره وی، فرایند دموکراسی سازی گسترش یافت و فضای بازی برای گروه‌های دینی ایجاد شد که در نتیجه، دستیابی به آزادی‌های حداقلی نظیر فعالیت مدارس دینی را برای اسلام‌گرایان در پی داشت (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۱۹).

۳- دوره سوم، از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، موج اول اسلام‌گرایی: اسلام‌گرایان سیاسی در این دوره فعالیت چشمگیری را از خود به جا گذاشتند و با تشکیل احزاب و مطبوعات و... رسماً وارد فضای اجتماعی سیاسی ترکیه شدند. از جمله مؤلفه‌های مهمی که در این دوره باعث شدت یافتن فعالیت‌های اسلام‌گرایان گردید، وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود که به مثابه متغیری قدرتمند توانست شتاب قابل توجهی به گرایش‌های اسلام‌خواهانه ترکیه دهد. درحقیقت می‌توان این دوره را اوج جریان اسلام‌گرایی در ترکیه دانست که در قالب اسلام سیاسی به عرصه آمده بود (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹).

۴- دوره چهارم، از ۱۹۹۰ تاکنون، موج دوم اسلام‌گرایی: در این دوره شاهد روی کار آمدن قرائتی نو از اسلام با عنوان اسلام اجتماعی هستیم که امروزه بر فضای اسلام‌گرایی ترکیه حاکم است (سیدترابی، ۱۳۸۵:۷؛ نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۲۰).

می‌توان گفت اقدامات اسلام‌ستیزانه کمالیست‌ها هم‌زمان با غرب‌گرایی شدید در ساختارهای جامعه ترکیه باعث آزردن خاطر شدن انسان‌هایی شد که هنوز دارای باورهای شدید مذهبی بودند؛ برخی از این اقدام‌های ضد اسلامی کمالیست‌ها عبارت بودند از: الغای سیستم خلافت دینی، تشکیل محاکم استقلال، انجام تغییرهای دولتی در کلیه امور مربوط به دین، تغییر اجباری پوشش مردم، حذف آموزش دینی از جامعه و تعطیلی کلیه مراکز علمی و آموزشی دینی، حذف کلیه قوانین اسلامی و جایگزین کردن قوانین کشورهای دیگر در ترکیه (امام‌جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱). بدین ترتیب اسلام‌گرایی در ترکیه احیا شد؛ اما اسلامی که مورد توجه قرار گرفت، هدف اصلی آن جامعه و اجتماع، سازمان‌های مردمی و نهادهای موجود در راه کسب و ارتقاء عدالت اجتماعی بود. خاستگاه اصلی این دیدگاه ترکیه و اندیشه‌های گولن است و این دیدگاه با جدیت تمام در صدد جمع میان سنت و تجدد است. سازش اسلام و مدرنیته که مفروض اصلی این جنبش است، توانسته در ترکیه و برخی از کشورهای اسلامی منطقه توجه بسیاری را به خود معطوف داشته و سطح فعالیت خود را در مقیاس جهانی تعریف نماید. (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۷).

۱-۲. طریقت‌ها و تصوف در ترکیه

عرفان و تصوف دو واژه کلیدی در فرهنگ اسلامی و بیانگر بعد معنوی در جهان اسلام می‌باشد و در قرون میانه کلمه «عارف» و «صوفی» مترادف همدیگر بوده و به‌جای هم به کار می‌رفته است (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: صص ۳۶۹ - ۴۵۳). اما گذشت زمان باعث شد که عرفان و تصوف در ایران اسلامی و در نزد شیعه از یکدیگر فاصله بگیرند و همان‌گونه که از نظر لغت بین این دو کلمه تفاوت بود، از نظر اصطلاح نیز به صورت متفاوت به کار رفت. به این معنی که تصوف راه و روش زاهدانه که بر مبنای شرعی، تزکیه نفس، اعراض از دنیا برای رسیدن به حق تعالی و حرکت در مسیر کمال، مبتنی است اما عرفان روش فکری و فلسفی متعالی و عمیقی است که می‌خواهد به شناخت خداوند تعالی، شناخت حقایق امور و اسرار علوم از راهی جز راه فیلسوفان و حکیمان برسد. راه آن اشراق، کشف و شهود است. (سجادی، ۱۴۲۳: ۱۲) شهید مطهری تفاوت

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۶۳

میان این دو واژه را این گونه بیان می کند که «عرفان»، بیانگر بعد فرهنگی این گروه خاص است و «تصوف» بعد اجتماعی آن ها را بیان می کند (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۶-۷۵)؛ اهل عرفان هرگاه با عنوان علمی یاد شوند، با عنوان «عرفا» و هرگاه با عنوان اجتماعی شان یاد شوند، غالباً با عنوان «متصوفه» یاد می شوند. عرفان از ریشه عرف به معنی شناختی همراه با تفکر و تدبیر است که در آثار شیئی حاصل می شود. عرفان در اصطلاح، راه و روشی است که مشتاقان حق برای رسیدن به مطلوب و شناسایی حق انتخاب می کنند. شناسایی حق به استدلال از اثر به مؤثر، از فعل به صفت و از صفت به ذات که مخصوص انبیا، اولیا و عرفا است، میسر می باشد. در واقع روش و طریقتی ویژه و نوعی شناخت و معرفت است که از راه دل، کشف و شهود به صورت مستقیم و بدون واسطه به دست می آید. اولین گروه های صوفی که در آسیای صغیر (ترکیه) فعالیت خود را پس از سال ۴۶۳ ق آغاز کردند به آن ها صوفیان مجاهد می گفتند. این ها برای ترویج اسلام از آسیای مرکزی و خراسان به آسیای صغیر می آمدند. هجوم مغولان باعث شد تا برخی از مشایخ کبرویه از جمله: پدر مولانا بهاءالدین ولد، نجم الدین رازی و مجدالدین بغدادی به جانب غرب (آناتولی) بیایند. (ارول قلیچ، ۱۳۸۲: ۴۱۹) با تضعیف دولت عثمانی در قرن سیزدهم، دول بیگانه، برای تجزیه این امپراتوری وارد جنگ شدند. طریقت ها هم برای دفاع، در جنگ هایی که به جنگ های آزادی بخش مشهور شده، شرکت کردند. دولت عثمانی به سرعت سرزمین های وسیع خود را از دست داد و سقوط کرد و به جای آن، مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) دولت جمهوری ترکیه را در ۱۹۲۳ م. با بهره گیری فراوان از یاری و نفوذ مشایخ طریقت ها، تأسیس کرد. درباره تأثیرگذاری و نفوذ طریقت ها، برخی بر این باورند که آن ها، مهم ترین و مفصل ترین شکل بروز اسلام در ترکیه هستند. در نخستین مجلس مؤسسان جمهوری تازه تأسیس ترکیه، مشایخ بسیاری به عنوان عضو، فعال بودند. پس از افتتاح مجلس، با خواندن برخی دعاها، اعضای آن به زیارت آرامگاه حاجی بیرام ولی پیر طریقت «بیرامیه» در آنکارا رفتند. مصطفی کمال که گفته بود دولت جدید حامی سیاست تجدید طلبی خواهد بود، به مرور انقلاب های بنیادین فرهنگی را آغاز کرد. در نتیجه برخی افراد دین دار به علت اینکه اقدامات آتاتورک، جامعه را به بی دینی می کشاند، با اقداماتش مخالفت کردند. (ازدالگا، ۱۳۸۹: ۴۲۸) در اوایل سال ۱۹۲۵ م. شیخ سعید کرد از مشایخ طریقت خالدیه نقشبندیه با اعلام اینکه دین در خطر است، به همراه مریدانش قیام کرد، اما به شدت سرکوب شد. در سی ام نوامبر ۱۹۲۵ م. با اجرای قانون ۶۷۷، پایان کار

تکیه‌ها اعلام و اموال آن‌ها مصادره شد و استفاده از عناوینی چون: شیخ، خلیفه و یا مرید ممنوع اعلام شد. (زارع، ۱۳۸۲: ۲۵۲) این در حالی است که در آن زمان، فقط در استانبول بیش از سیصد تکیه فعال وجود داشت. در سال ۱۹۳۰ م. به علت کشته شدن یک افسر به دست منصوبان به تصوف در شهر «منه من» صدها تن از صوفیان بازداشت و ۲۸ تن دیگر کشته شدند. امروزه نیز همان قانون باقی است و فعالیت طریقت‌ها در ترکیه از لحاظ قانونی جرم است، اما با وجود این، طریقت‌ها به صورت مخفی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. (ارول قلیچ، همان، ج ۷، ص ۴۲۸). ذکر طریقت‌های ترکیه از آغاز تاکنون، نقش و جایگاه مهمی در حیات اجتماعی سیاسی و فرهنگی این کشور دارند که ما در اینجا به طریقت‌های نقشبندیه، بکتاشیه، قادریه، سلیمانیه و طریقت‌های منسوب به بدیع‌الزمان نوری می‌پردازیم:

۱-۲-۱. نقشبندیه

مؤسس این طریقت محمد بهاء‌الدین نقشبند در قرن هشتم هجری است. در نقشبندیه مهم‌ترین راه نزدیکی به خداوند، انجام واجبات دینی و عبادات مستحبی است و رابطه مرید و مرشدی، ذکر دسته‌جمعی و تلاش برای حل رابطه بین شریعت و طریقت اهمیت بسیاری دارد. نقشبندیه از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین طریقت‌های کشور ترکیه است. (زارع، ۱۳۸۲: ۲۵۲) هم‌اکنون بسیاری از سیاست‌مداران راست‌گرای ترکیه به گونه‌ای با این طریقت ارتباط دارند. تورت گوت اوزان، رئیس‌جمهور فقید ترکیه و نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر سابق ترکیه، به عضویت این طریقت بوده‌اند. نقشبندیه در ترکیه دارای نشریه‌های گوناگون، مراکز خیریه قدرتمند و فعالیت‌های اجتماعی هستند. «ماهنامه اسلام» و «بنیاد خیریه راه حق» وابسته به این طریقت هستند. (زارع، ۱۳۸۲: ۲۵۲)

۱-۲-۲. بکتاشیه

این طریقت منسوب به حاج بکتاش ولی (۷۳۸ ق) صوفی پرآوازه قرن هفتم قمری؛ و معاصر مولوی است. زادگاه وی نیشابور و مدفن او آناتولی است. وی بنیان‌گذار یکی از طریقت‌های بزرگ صوفیه که نقش مؤثری در زندگی مادی و معنوی شهروندان خلافت عثمانی داشته و حیات خود را تا به امروز هم به ادامه داده است. علویان ترکیه خود را

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت... ۶۵

از مریدان حاج بکتاش ولی می‌دانند و سردمداران ترکیه به صورت رسمی در مراسم‌های مختلف مثل بزرگداشت حاج بکتاش شرکت می‌کنند. (زارع، ۱۳۸۲: ۲۵۳)

۱-۲-۳. مولویه

این طریقت به مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (م ۶۷۲ ق) منسوب است. مولویه دارای آثار مدون، آداب و مراسم دسته‌جمعی خاصی است. پیروانش در ترکیه، سوریه و بالکان پراکنده هستند و بیشترین شهرت آن‌ها به خاطر مراسم سماع مولویه است که هر سال به صورت رسمی در قونیه برگزار می‌شود.

۱-۲-۴. قادریه

بنیان‌گذار این طریقت عبدالقادر گیلانی (۴۷۵ - ۵۶۵ ق.) است که جایگاه والایی در تصوف اهل سنت و در شمال آفریقا و خاورمیانه دارد. از ویژگی‌های مشخص این طریقت؛ انجام اعمال خارق‌العاده در مجلس ذکر مثل فروردن میله‌های فلزی در بدن، بلعیدن تیغ، کوبیدن میخ بر سر و... است. این طریقت دارای بنیادی فرهنگی به نام «خبریه تحقیقات علمی مرکزی طرابوزان» با بیش از نود شعبه در سراسر ترکیه و شبکه تلویزیونی «ماژتی وی» (به معنای پیام) است. این طریقت معتقد به عدم دخالت در امور سیاسی می‌باشد و در احزاب راست مثل «مام میهن» و «راه راست» نفوذ دارد. (ازدالگا، ۲۲۸: ۱۳۸۹)

۱-۲-۵. سلیمانیه

گرچه وابسته به نقشبندیه محسوب می‌شوند اما به علت مخالفت با جو غالب بر نقشبندیه، بنیان‌گذار آن شیخ سلیمان هیلمی توناخانی از نقشبندیه جدا گردید. رهبر این طریقت از ۱۹۳۰ م در زمینه تأسیس و گسترش رده‌های قرآن و معارف اسلامی به فعالیت پرداخت، اما توسط آتاتورک زندانی و در زندان درگذشت. هواداران برای شیخ سلیمان منزلت والایی قائل‌اند و او را از خاندان پیامبر و حتی جانشین وی می‌دانند، لذا وی را خاتم‌الاولیای می‌نامند. پس از وی سرپرستی این طریقت به دامادش کمال کاجار رسید. وی نیز با گسترش فعالیت‌ها و ورود به عرصه سیاسی از حزب رفاه و حزب فضیلت و اربکان حمایت کرد. (ازدالگا، ۲۲۸: ۱۳۸۹)

۱-۲-۶. نوریسیه (نورجی)

نوریسیه یک جماعت دینی و اسلامی است که از نظر ساختاری به طریقه‌های صوفیانه نزدیک است. در واقع مکتبی عرفانی منسوب به بدیع‌الزمان سعید نوریسی و مهم‌ترین طریقت در ترکیه پس از نقشبندیه محسوب می‌شود. پیروان نوریسی را که نوریسیه، نورجیه یا جماعت نور می‌گویند، خود به فرقه‌های متعدد با آداب، بینش و خط مش‌های کاملاً متفاوت (همسویی و خدمت به نظام تا خصومت و دشمنی علنی و بنیادین با آن) تقسیم می‌شوند.

۲. عرفان بدیع‌الزمان نوریسی

بدیع‌الزمان شیخ سعید نوریسی در سال ۱۸۷۶ در یکی از روستاهای کردنشین ترکیه به نام «نورس» از توابع استان بتلیس در اواخر عمر امپراتوری عثمانی به دنیا آمد و علوم مقدماتی و دینی را نزد بسیاری از علمای بزرگ و مذهبی‌گُرد فراگرفت و سپس در جهت تعمیق پروژه فکری خود یعنی پیوند عقل و ایمان به فراگیری علوم جدید همچون فلسفه، ریاضی، فیزیک، شیمی ... روی آورد و آشنایی و تسلط زود هنگام او بر علوم دینی و مدرن او را صاحب لقب «بدیع‌الزمان» گردانید. سعید نوریسی، از اعلام متفکران تأثیرگذار در اندیشه اسلامی در زمره مصلحانی است که پرتو فروزان افکارشان دیگران را مجذوب خویش ساخت و سخنانشان در قلب و روح رهروانشان همچو نوری در ظلمت تجلی یافت. وی با شرح دانش کتاب الهی و سنت نبوی، به ستیز با جهل و فساد آفرینی حکومت زمان خود قیام نمود، او شیفته زیب و زیور نبود و تبعید را به مقامات دنیوی برتری داد. نوریسی بمانند اقبال، سید جمال‌الدین اسدآبادی و غزالی توانست صدای ایمان را در قلب کفر و الحاد به طنین اندازد و جامعه منحرف عصر خود را در ترکیه، نوایی جان‌فزا از توحید و دیانت بخشد. او در دفاع از حریم قرآن و رسالت، هیچ تسامح و تساهلی به خود راه نداد. اگر بخواهیم به ذکر اساتید و بزرگانی پردازیم که به نوعی در رفتار، کردار و به خصوص ابعاد عرفان و سلوکی نوریسی مؤثر بوده‌اند، علاوه بر محیط خانوادگی، جغرافیایی و فرهنگی شرق ترکیه که گرایش به طریقت‌های صوفیه و به خصوص طریقت نقشبندیه و خالدیه بیش از دیگر طریقت‌ها بوده است، باید به دودسته از اساتید وی اشاره کرد. دسته اول اساتیدی است که نوریسی از دوران کودکی تا جوانی از مکتب و محفل عرفانی، سلوکی و تربیتی آن‌ها به‌طور مستقیم استفاده کرده است. این بزرگان کسانی چون: شیخ سید نور محمد، شیخ

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۶۷

عبدالرحمن تاغی ملقب به سیدا، شیخ فهیم و شیخ محمد کفروی از علما و مشایخ بزرگ شرق ترکیه هستند و نوری آن‌ها را فوق‌العاده دوست داشت، حتی وی علاقه زیادی به علما به‌ویژه شیخ ملا امین افندی، ملا فتح‌الله و شیخ فتح‌الله داشت. اما دسته دوم اساتید، عارفان، شاعران و عالمان بزرگی بودند که در عصر وی زندگی نمی‌کردند و او از طریق آثار، عبارات و اشعار ایشان در حکم یک شاگرد در مکتب ایشان تلمذ می‌کرد؛ و در آثارش بارها به این ارتباط و تأثیرپذیری اشاره و از آن‌ها به بزرگی یاد کرده است. از جمله مهم‌ترین این بزرگان که در عرصه عرفان و تصوف اسلامی معروف و مشهور هستند، می‌توان به شیخ احمد فاروقی سر هندی؛ شیخ عبدالقادر گیلانی، مولانا جلال‌الدین رومی، امام محمد غزالی، سعدی شیرازی، جامی و ابن عربی اشاره کرد. (محمدی، ۱۳۹۳: ۴۲)

به نظر نوری، قرآن همان توحید، نبوت، معاد، عبادت و عدالت و در خود علت وجود عالم، علت آفرینش و ایمان به خداوند است. وی ایمان را هم نور، هم قدرت و مومن واقعی را قادر به تصرف در تمام هستی می‌داند. به باور نوری، تمام مذاهب اهل قبله، در ایمان تفاوتی باهم ندارند. او سعی کرد تمام مذاهب اسلامی را با همه اختلافات تاریخی، زیر عنوان واحدی جمع و بررسی کند. به نظر او، در بطن اسلام اختلافی نیست، بلکه اختلاف در امور فرعی (که جز ضروری دین محسوب نمی‌شود) وجود دارد و علت آن، زندگی اجتماعی و جغرافیایی است. تفاوت مذاهب، رحمت و علت اختلاف عدم بهره‌مندی تمام آن‌ها از یک سطح زندگی اجتماعی است. نوری ارتباط بین مباحث اعتقادی اسلام را با زندگی انسان در دنیای امروز دنبال می‌کرد و در نظر او ایمان شامل دو قسمت «آفاقی و انفسی» و خداوند غایت و هدف ایمان است. (بوکاری ، ۱۳۱۰م: ۱۵۴) وی با بیان اینکه معرفت الهی یکی از اهداف حیات است، پنج هدف برای زندگی ترسیم می‌کند که عبارت‌اند از: ۱) معرفت به خداوند، به‌گونه‌ای که حق آن به جا آورده شود. ۲) عبادت با اخلاص و پرستش الهی. ۳) امتحان و آزمایش. ۴) شکر و صبر. ۵) اصلاح. (محمد حمد کنان میغا، ژانویه ۱۳۱۰ م) نوری حل بسیاری از مسائل جدید هر جامعه‌ای را به‌وسیله احکام اسلامی ممکن می‌دانست، زیرا ارزش‌های اسلامی برای زندگی روزمره انسان هستند. (Serif MardenM,2003: 46) نوری به‌جای فلسفه‌ای خالی از مبانی الهی و اخلاقی، «حکمت قرآنی» را پیشنهاد می‌کند، زیرا برعکس فلسفه مادی‌گرا، شاگردان حکمت قرآنی؛ اولاً بنده متواضع و ملائیم خداوند هستند و در برابر غیر خدا تسلیم نمی‌شوند و فقط در برابر خدا، فقیر و ضعیف هستند

و از همه چیز بی نیازند. (محمدی، ۱۳۹۳: ۶۰) نوری درک دقیقی از حقیقت تصوف دارد و ضمن تأیید تصوف، اسامی «تصوف»، «طریقت»، «ولایت»، «سیر و سلوک» را حقایقی شیرین و نورانی می‌داند که اهل ذوق و کشف در توضیح و آموزش آن‌ها کتب فراوان نوشته‌اند. نوری قلب و ارتقای آن را به وسیله ذکر خدای تعالی و توجه به حقایق ایمانی، ابزار اصلی برای سیر، حرکت در مراتب ولایت و مسلک طریقت می‌داند. حقیقت و شریعت صوفیه مکمل همدیگر هستند و به وسیله این دو، اسلام بنده، کامل و حقایق دین برای انسان آشکار می‌شود، اما کسانی که تنها اهل شریعت هستند، ممکن نیست به ذوق حقیقی برسند؛ زیرا بر معادن در و یاقوت‌ها که شامل اسرار حقایق دین است، قفل می‌زنند و آب حیات را گم کرده‌اند؛ بنابراین تذکر و هشدار می‌دهد که در معرض خطر هستند. نوری روشنائی مجالس ذکر ایمان، باعث حفظ مؤمنان و نگهداری از دین آن‌ها می‌شود، با این حال او واقعیت تصوف عصر خود را تأیید نمی‌کند بلکه به غلو کنندگان و جهله اهل تصوف اشاره و بیهوده‌گویی‌های آن‌ها را رد می‌کند و می‌گوید: تصور کنید شریعت قشر و پوسته و حقیقت لب، مغز، نتیجه و هدف آن باشد، آن گونه که برخی اهل تصوف گمان می‌کنند. سپس می‌گوید: اینکه طریقت و حقیقت را دو واقعیت جدا از هم در نظر بگیریم، درست نیست زیرا این‌ها دو وسیله و دو خادم دین هستند. پس هرگاه مقصود ذاتی مطابق بودن با سنت سنی باشد، التزام و تعهد احکام شریعت، پیروی از سنت محمدی (ص) است و اگر تمایل قلب به جای دیگری باشد، با این تصور که حلقه ذکر (تصوف) بهتر از نماز و جاذبه اذکار و اوراد از توجه به نماز قوی‌تر و فرار از مخالفت‌های طریقت مهم‌تر از فرار از گناه باشد، خطای محض است؛ زیرا همه اوراد و اذکار طریقت با یکی از فرایض دینی قابل مقایسه و تطبیق نیست و نمی‌تواند جایگزین انجام یکی از واجبات دین باشد. در واقع نوری به هیچ وجه مخالف طریقت‌ها نیست، بلکه وجود و فواید آن‌ها را برای جامعه انسانی ضروری می‌داند؛ اما در کل به طریقت‌ها و تصوف نگاهی آسیب شناسانه و اصلاح طلبانه دارد. با غلبه تدریجی تفکر مادی بر امور معنوی و روحانی، نوری به انتقاد از طریقت‌هایی می‌پردازد که تنها به انجام اذکار و برگزاری آیین‌های تصوف تأکید دارند. آثار و مراحل زندگی نوری نشان می‌دهد که او همواره از اهل تصوف با احترام و بزرگی یاد و گاهی هم از آن‌ها انتقاد کرده است اما ظاهراً علاقه خاصی به طریقت‌های صوفیانه زمان خود نداشته است و تنها رسیدن به حقیقت با استفاده از قرآن را مهم دانسته و آشکار شدن مبغیثی از حقایق ایمانی را مهم‌تر از هزاران ذوق، مکاشفه،

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۶۹

باغ و بوستان در این دنیای فانی است. در مجموع نوری با نگاه مثبت به تصوف می‌گوید: «اهل تصوف و طریقت اگر در مسیر قرآن باشد از اسرار بزرگ انسانی و کمال بشری باخبر می‌شوند. هدف اصلی آن‌ها شناخت خداوند است و می‌خواهند در سایه معراج پیامبر به وسیله دل و با تلاش در مسیر معنوی سیر و سلوک به حقیقت ایمان برسند. آن‌ها از نظر ذوقی و شهودی، منظر حقایق قرآنی و ایمانی هستند.» با همه این‌ها وی در مقایسه طریقت خود با سایر طریقت‌ها، سرچشمه تمام حقایق را قرآن می‌داند و از دست یافتن خود در کشف طریقتی سخن می‌گوید که بر چهارپایه قرآنی عجز، فقر، شفقت و تفکر مبتنی و اوراد و اذکار آن پیروی از سنت رسول‌الله، انجام واجبات و ترک گناهان کبیره و وظیفه سالک در آن خواندن نماز با حضور قلب و انجام با دقت مستحبات نماز است و از جمله ویژگی‌های اوراد و اذکار طریقت وی، کوتاه بودن اوراد و ادای آن‌ها پس از نمازها و گرفته شدن آن‌ها از منابع قرآنی است. (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۴)

۲-۱. گولن (اسلام اجتماعی)

همان‌طور که می‌دانیم یکی از علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، اقدامات اسلام‌ستیزانه نظام لائیک این کشور بود. این اقدامات در مقابله با اسلام‌گرایی سیاسی سبب شد، بسیاری از اسلام‌گرایان به این نتیجه برسند که رویکرد اربکانی به فعالیت‌های اسلامی، با شکست مواجه خواهد شد و بسیار هزینه‌بردار است؛ لذا به سراغ قرائت‌هایی از اسلام رفتند که چندین دهه در برابر اسلام‌گرایی سیاسی فعالیت می‌کرد و به اسلام‌گرایی اجتماعی و یا میانه‌رو موسوم بود. رهبری این جریان را فتح‌الله گولن بر عهده داشت (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۴). پیروان گولن که فتح‌الله چی نامیده می‌شوند امروزه بزرگ‌ترین گروه دینی ترکیه به شمار می‌آیند. گولن از مشاهده روحیات و رفتار غرب‌گرایانه مردم (ادرنه) شگفت‌زده شد و کوشید با زندگی ساده و زاهدمنشانه خود سرمشقی برای دیگران باشد. گولن سخنوری چیره‌دست است. یک روزنامه‌نگار ترک درباره او می‌گوید: «جمله‌هایش را با استغفرالله شروع می‌کند. آرام و مؤدبانه سخن می‌گوید. بسیار فروتن است. با آهنگی یکنواخت و عظمی می‌کند. در جمله‌هایش قواعد دستوری را کاملاً رعایت می‌کند و از واژگان دوره عثمانی بسیار بهره می‌گیرد.» (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۲۱). جنبش فتح‌الله گولن در مرحله رشد جنبش‌ها و طریقت‌های دینی در ترکیه، یعنی در دهه ۸۰ قرن بیستم میلادی، سر برآورد. پس از کودتای نظامی به رهبری کنعان اورن

در سال ۱۹۸۰ و تصمیماتی که دولت نظامی او در باب آزادی اقتصاد، خصوصی سازی مطبوعات و فراهم آوردن فرصت‌های کاری بیشتر برای سازمان‌های غیردولتی و از جمله سازمان‌ها و جماعت‌های دینی اعلام کرد، طریقت‌های دینی نیز رو به شکوفایی نهادند. در این میان، طریقت نوریه هم به دست گولن احیا شد (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۰۵). جنبش گولن شامل مدارس، دانشگاه‌ها، موسسه‌های حرفه‌ای و کاری و حتی ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی است. تعداد مدارس گولن در داخل ترکیه ۳۰۰ مدرسه و در کل دنیا بیش از ۱۰۰۰ مدرسه می‌باشد که در بیش از ۶۰ کشور از تانزانیا گرفته تا چین و از ترکمنستان تا مغرب و مصر و فیلیپین گسترش یافته است. در کل، ۳۴ هزار محصل در مراکز آموزشی فتح‌الله گولن مشغول تحصیل‌اند و به‌صورت منعطف و ارگانیک با شخص وی در ارتباط هستند. همه مدارس گولن در تمام نقاط دنیا آموزش به زبان انگلیسی دارند و یکی از مشخصه‌های فارغ‌التحصیلان این مدارس تسلط کامل به زبان انگلیسی است. آن‌ها همچنین به زبان ترکی بسیار توجه دارند و هر ساله المپیاد زبان ترک را برگزار می‌کنند. کیفیت آموزشی بالای این مدارس موجب شده نه تنها ترک‌تبارها و مسلمانان، بلکه افراد بومی کشورهای مختلف اعم از مسیحی یا پیروان ادیان دیگر نسبت به ثبت‌نام فرزندان خود در این مدارس اقدام کنند (روزنامه نیوزویک، ۲۰۰۹؛ به نقل از لطفی، ۱۳۸۹: ۱۲). از جمله بنیادهای اندیشه‌ای گولن این است که او دشمنان امت اسلامی را جهل، فقر و تفرقه و راه مقابله با آن‌ها را دانش، کوشش و اتحاد می‌داند. او بر آن است که جمع میان حقیقت، معرفت، تربیت و دانش پایه‌های اصلی سعادت‌اند و این جمع در توازن میان ایمان، دانش، دل و عقل حاصل می‌شود. فقدان دانش را منشأ تعصب و تقلید و فقدان دین را منشأ شبهه و انکار می‌داند. برای رفع دغدغه‌های کنونی مسلمانان به این امر قائل است که: «راه‌حل نه چنانچه در غرب مطرح است، در فکر و عقل صرف است و نه آن‌گونه که در شرق مطرح است، در قلب و روح. بلکه راه‌حل در تربیت متکی بر روشنگری عقلی-فکری-قلبی و در عمل متکی بر بخشش و اتحاد است نه تفرقه». فتح‌الله گولن همانند نوریه جریان اسلام‌گرایی را از مجاری فرهنگی و اجتماعی پیگیری می‌کند و چندان علاقه‌ای به دخالت مستقیم در سیاست ندارد (قهرمان پور، ۱۳۹۰: ۱۰۴). بسیاری از مطبوعات جهان غرب، گولن را رهبر جنبش اجتماعی اسلامی قومیت‌گرا و غیر ستیزنده با غرب می‌دانند که آینده خاورمیانه را به سوی اسلام اجتماعی جهت می‌دهد، اما مخالفان گولن معتقدند که او بیشترین خطر را برای لائسیته ترکیه دارد و او را متهم می‌کنند که از

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۷۱

طریق اسلامی سازی فعالیت‌های اجتماعی، در پی ریشه‌کنی بنیاد لائیک دولت ترکیه است گولن معتقد به ترویج اسلام از سطح فردی به سطح اجتماعی را انتخاب کرده و این هدف را با استفاده از شیوه پایین به بالا است و به دیگر بیان سه نهاد قدرتمند تعقیب می‌کند: ۱- مؤسسات آموزشی ۲- رسانه ۳- بازار (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۳۹). با نزدیک شدن به اواخر دهه ۹۰ در تصور گولن در هویت تحولاتی به وجود آمد. گولن در دهه ۸۰ تأکیدش بیشتر بر هویت اسلامی ملی گرایانه بود. او آمریکا را بد و شر می‌دانست. لیکن حضور پیروان گولن در غرب رفته‌رفته بر این تصورات تأثیر گذاشت. او همچنین خودش نیز به غرب رفت و آمدهایی داشت. نکته‌ای که در آمریکا مورد تمجید گولن قرار گرفت این بود که جامعه آمریکا چگونه توانسته همزیستی گروه‌های مختلف در کنار یکدیگر را ایجاد کند. به این ترتیب یکی از انتقاداتی که در جنبش اسلامی گولن نسبت به فرآیند غربی سازی در ترکیه صورت گرفت این بود که چرا کارگردانان این فرآیند به ارزش‌هایی مانند تساهل، مدارا و همزیستی عمل نکردند. این گونه بود که ارزش‌هایی مانند تسامح و گفت‌وگو نیز در دهه ۹۰ به گفتمان فتح‌الله گولن اضافه شدند. بر این مبنا آن‌ها مدینه‌النبی را به عنوان مکانی مطرح ساختند که ادیان مختلف در آن در کنار یکدیگر همزیستی داشتند (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۴). جنبش فتح‌الله گولن امروزه وارد مرحله‌ای نو شده است. در گذشته این جنبش از طرف دولت ترکیه طرد می‌شد و اکثر کشورهای منطقه‌ای و حتی غربی به آن تردید داشتند، اما این وضعیت در حال تغییر است، چون حزب عدالت و توسعه از نظر مبانی فکری و همچنین روابط سازمانی به جنبش فتح‌الله گولن بسیار نزدیک است. محافل سکولار جامعه ترکیه، از جمله ارتش ترکیه به این باور رسیده‌اند که جنبش گولن به کشورهای اسلامی منطقه از جمله ایران و عربستان وابسته نیست و همچنین اسلامی غیرسیاسی را ترویج می‌دهد و کشورهای غربی و حتی اسلامی منطقه هم برای دوری از موج رادیکالیسم اسلامی، اندیشه و پارادایم اسلام اجتماعی فتح‌الله گولن را به عنوان پارادایمی قابل اطمینان و مدرن می‌پذیرند و موانعی برای گسترش آن به وجود نمی‌آورند (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۲). این جنبش در ترکیه در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین شبکه‌های اسلام‌گرا در جهان می‌باشد و مطرح شدن نام گولن و ارتباطات خاص آن با حزب عدالت و توسعه در هنگامه برگزاری انتخابات شوراها و ریاست جمهوری ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به یکی از خبرسازترین موضوعات مذهبی

و سیاسی ترکیه مبدل شد که طی آن بسیاری از ابعاد موضوعی جنبش و همچنین عملکرد آن آشکار گردید (نکویی و موسوی، ۱۳۹۳: ۱۱۵)

۲-۲. تأثیرات عرفان نرسی در اسلام اجتماعی گولن

آنچه مشخص گردید؛ افکار و دیدگاه‌های گولن، متأثر از عرفان و تصوف نرسی بوده و در عمل نیز دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشد که باعث شده اسلام اجتماعی او بتواند طرفداران بی‌شماری را جذب نماید که در ادامه به چند نمونه از ویژگی‌های آن اشاره می‌کنیم:

۲-۲-۱. تمایلات اسلام‌گرایانه

تمایلات اسلام‌گرایانه و تمسک به ایدئولوژی اسلامی از جمله بارزترین خصوصیت می‌باشد. از مهم‌ترین اهداف گولن ارائه الگوی تمدنی برای جهان اسلام با اتکا به عمل‌گرایی اسلامی با استناد به قرآن و سنت پیامبر (ص) و خلق جهانی مدرن و نواز قرآن و احادیث و سنت و پیگیری تفکر تشکیل امت اسلامی بوده است؛ گرچه امت اسلامی در نگاه گولن، مسلمانان ترک می‌باشند، نه اتحاد کشورهای اسلامی (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۷).

۲-۲-۲. قبول دین در حوزه خصوصی

گولن معتقد است که دولت، ضرورتی ندارد شریعت یا قوانین اسلامی را به کار گیرد. او به این مسئله اشاره می‌کند که بیشتر قوانین و احکام اسلام درباره زندگی شخصی انسان‌هاست و فقط بخش کوچکی از آن‌ها به حکومت و کشورداری مرتبط می‌شود. گولن معتقد است بهترین شکل حکومت آن است که دموکراتیک باشد و در عین حال وی با این گفته سعید نرسی موافق است که جمهوریت انطباق زیادی با مفهوم مشورت دارد که در منابع اسلامی درباره اش بحث شده است. علاوه بر آن، او از این نگران است که رژیم‌های اقتدارگرا عقاید متفاوت را به شدت تحت کنترل خود درآورند. (اطهری، ۱۳۸۴: ۶۷).

۲-۲-۳. اعتقاد به سازش‌پذیری دین و دموکراسی

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۷۳

از دیدگاه گولن اسلام و دموکراسی سازش پذیرند؛ گولن حامی حکومت دموکراتیک است و استدلال می‌کند. دموکراسی مؤثرترین و شایسته‌ترین شکل حکومت در جهان امروزی است. او عقیده دارد که دموکراسی و اسلام سازش پذیرند. ۹۵ درصد قوانین اسلامی به زندگی خصوصی و خانواده می‌پردازد. فقط پنج درصد از این قوانین به موضوعات دولت مربوط است و این می‌تواند تنها درون بستر دموکراسی مهیا شود. گولن در کنار ضرورت دولت و دموکراسی به‌عنوان یک پروسه‌ای که متناسب با نیازهای زمانی جوامع تعمیق گردد، از آموزش دینی در دموکراسی هم دفاع می‌کند و در پروسه آموزش نقش مهمی به دین می‌دهد. (فلاحی پیشه و ولدبیگی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

۲-۲-۴. سیاست تسامح و عنایت به اقلیت‌ها (در حوزه عدالت سیاسی)

در گفت‌وگو گولن بر این امر تصریح می‌شود که این امکان وجود دارد که انسان‌ها با یکدیگر گفت‌وگو کنند. دلیل آن‌ها این است که بین انسان‌ها ارزش‌های مشترکی وجود دارد و وجود این ارزش‌های مشترک خود معلول آن است که همه انسان‌ها مخلوق خدایی واحد هستند. این ارزش‌ها ارزش‌هایی اسلامی هستند و از آنجاکه اسلامی دینی جهان‌شمول است، این ارزش‌ها نیز جهان‌شمول هستند. (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۵).

۲-۲-۵. مخالفت با برپایی دولت اسلامی و وفاداری به سکولاریسم

سیاسی نمودن مذهب از دید گولن امری تقلیل‌گرایانه است زیرا ارتباط رمزآلود و معنوی میان انسان و پروردگار را به حد ایدئولوژی تقلیل می‌دهد. او در این باره می‌نویسد: «مذهب رابطه‌ای میان مردم و پروردگار است. حس مذهبی در اعماق قلب زنده می‌ماند، چنانچه اشکال آن را نشان دهید به معنی آن است که آن را خواهید کشت، سیاسی نمودن مذهب پیش از آسیب زدن به حیات حکومتی، به مذهب زیان می‌رساند.» (نوازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

۲-۲-۶. تأکید بر تجدد و فناوری و آموزش

ایشان بر تجدد، مدرنیسم و علم و آموزش تأکید دارند. گولن طرفدار آن نوع آموزشی است که موجب پیوستگی با جهان مدرن می‌شود. مهمت اوز قره‌گزی، یکی از مسلمانان مؤمن و تحصیل‌کرده آمریکا در این باره می‌گوید: یکی از اصول اساسی اسلام کسب دانش است. ما در حال حاضر غرب را بهترین منبع فناوری می‌شناسیم، گرچه ترجیح

می دهیم جهان اسلام در این زمینه پیشرو باشد (اطهری، ۱۳۸۴: ۷۰). او آموزش باکیفیت باارزش‌های اسلامی ترکی را، راه خدمت مسلمانان به جامعه خود می‌دانست. در ۱۹۹۰ جهت‌گیری او جهانی‌تر شد، او بر جنبه‌های جهان‌شمول اخلاق اسلامی تأکید و گروه‌های وسیع‌تری را جذب کرد. (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۵).

۲-۲-۷. نو عثمانی‌گری

عثمانی‌گرایی جدید با یک شیوه سکولاریسم میانه‌رو در داخل و یک دیپلماسی فعال در سیاست خارجی همراه است. در این رویکرد، شیوه رفتاری ترکیه بر مبنای قدرت هنجارهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی، فرهنگی و نفوذ در سرزمین‌های امپراتوری عثمانی است. گولن امیدوار است که ارتباط میان مذهب و دولت بار دیگر مانند دوره عثمانی که رهبران زندگی خصوصی خود را بر مبنای احکام اسلامی تنظیم می‌کردند، احیا شود. (اطهری، ۱۳۸۴: ۵۹).

۲-۲-۸. عمل‌گرایی

گولن با استناد به حدیث شریف: «بهترین شما کسی است که بیشتر به مردم سود برساند» می‌گوید: می‌خواهم کسی باشم که برای منفعت مردم تلاش می‌کند. در این میان تأکید وی بر تجربه انبیا و اندیشمندان بزرگ اسلامی است. او می‌گوید قرآن، ابراهیم پیامبر را یک امت معرفی می‌کند؛ زیرا ابراهیم تمام تلاش خود را برای نجات مردم و انسانیت به کار گرفت. او برای این هدف حاضر شد به میان آتش برود. از سویی دیگر بر این باور است که استفاده از نهادهای مدنی برای برقراری ارتباط با ملت، موفقیت این ارتباط را تضمین می‌کند (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۸).

۲-۲-۹. ناسیونالیسم ترکی

از جمله اهداف گولن، به‌طور هم‌زمان، اسلامی کردن ایدئولوژی ناسیونالیستی ترکیه و ترکی کردن اسلام است. گولن، منادی نسخه ترکی اسلام است. وی معتقد است فهم مردم آناتولی از اسلام از فهم دیگران به‌ویژه عرب‌ها متمایز است. او اسلام آناتولی را یک اسلام متساهل و روادار می‌داند. در اسلام آناتولی ایمان‌گرایی بیش از شریعت‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرد. بخشی از دلایل موفقیت گولن در ترکیه، آذربایجان و آسیای میانه را باید ذیل توجه بسیار او به قومیت ترکی تحلیل کرد (اطهری، ۱۳۸۴: ۶۷).

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۷۵

۲-۲-۱۰. سیاست‌های مشارکتی گولن

جنبش گولن در واقع جنبشی سیاسی نیست، بلکه بیشتر صبغه جنبشی اجتماعی دارد که قصدش تغییر قلوب و اذهان افراد در جهت تساهل پردامنه، مسئولیت اجتماعی و مدرن سازی از طریق دستاوردهای آموزشی است (فکری، ۱۳۹۲: ۹۶). نهضت گولن اساساً به ترویج علم و معرفت و فناوری میان مسلمانان؛ توأم با تسامح و پذیرش تمام ادیان، دموکراسی قومی و لیبرالی تماماً در یکجا اعتقاد دارد. گولن درصدد بود با رواج دو اصل تساهل و گفتگو اسلام را مایه قوام و هم پیوندی عناصر گوناگون جامعه ترکیه سازد. او هم‌داستان با سعید نوری بر آن است که فکر جمهوری با اصل مشورت در اسلام کاملاً همساز است. به گفته وی بهترین شکل رابطه دین و دولت در دوره عثمانی وجود داشت. (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۲۲). بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمان گولن پیوند اسلام و آموزش است. بر این مینا، گولن در برابر اسلام‌گرایی سیاسی، اسلام‌گرایی آموزشی را مطرح می‌کند (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۰).

۲-۲-۱۱. فقدان سیاست‌ورزی گولن (اجتماعی بودن)

گولن هدفی به نام تربیت مسلمان مدرن دارد که دارای اخلاق اسلامی و آموزشی در علم و دانش معاصر در جهت ایجاد جامعه مدرن باشد. این مجموعه چند هدف مهم دارد: ۱. آگاهی بخشی به مسلمین؛ ۲. تبیین رابطه بین علم و دین؛ ۳. تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام با تربیت نسل ایمان، دانش، اخلاق، عشق، محبت، انسانیت، آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی.

۲-۲-۱۲. روش صوفی‌گری گولن

با توجه به مطالب گذشته، روش صوفی‌گری گولن ریشه در سابقه اسلام‌گرایی مردم ترکیه دارد و با توجه به تاریخ پرفرازونشیب دین‌گرایی و سرکوب آن‌ها توسط کمالیست‌ها، انتخاب این روش امری قابل توجیه می‌باشد.

۲-۲-۱۳. آزادی عمل گولن از نظر محدوده عمل

گولن هدفی به نام تربیت مسلمان مدرن دارد که دارای اخلاق اسلامی و آموزشی در علم و دانش معاصر در جهت ایجاد جامعه مدرن باشد. این مجموعه چند هدف مهم دارد: ۱. آگاهی بخشی به مسلمین؛ ۲. تبیین رابطه بین علم و دین؛ ۳. تجدیدنظر در

قرائت سنتی از اسلام با تربیت نسل ایمان، دانش، اخلاق، عشق، محبت، انسانیت، آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی (کلانتری، ۱۳۹۴: ۱۷).

۳. نتیجه‌گیری

اما آنچه در کل می‌توان بیان داشت این است که رابطه عرفان و سیاست همیشه مورد مناقشه میان صاحب‌نظران بوده و از زمانی که به‌عنوان یک‌راه حل برای موضوعات اجتماعی مطرح شده است، همواره مورد رد یا پذیرش متفکران بوده است. جامعه‌ترکیه نیز به‌عنوان یک جامعه اسلامی از این امر مستثنی نبوده و در طول تاریخ مذهبی خود، پذیرش و میزان تأثیرپذیری سیاست از عرفان و بالعکس، همیشه به‌عنوان یک مهم مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به مطالب آورده شده در پژوهش حاضر، می‌توان گفت: حلقه وصل اندیشه‌های عرفانی با اسلام اجتماعی در ترکیه، اندیشه‌های فتح‌الله گولن می‌باشد چراکه از یک‌سو تحت تأثیر عرفانیات و اندیشه‌های بدیع‌الزمان نوری و از سوی دیگر تحت تأثیر رخدادهای اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است. نظرات و دیدگاه‌های عرفانی بدیع‌الزمان، نقش بسیار آشکار و روشنی در شخصیت و حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گولن به‌عنوان یک احیاء‌گر و اصلاح‌طلب تفکر اسلامی، نظریه پرداز و دین‌شناسی در ترکیه داشته است. نوری خود نیز تأثیرپذیری بسیاری از طریقت نقشبندیه داشته است و سعی نموده تا یک جماعت دینی با یک ساختار صوفیانه برای خود ترسیم نماید. علت تأثیرپذیری زیاد گولن از نوری به دلایل تفکرات وی در قرآن، سنت و تمدن اسلامی ریشه دارد و سعی می‌نماید با تفسیری پویا و متناسب از دین و عرفان، با تحولات زمان خود حرکت نماید و قادر به از بین بردن شرایط بحرانی گردد. آنچه در عرفان نوری و اصول اولیه او مهم است، راه نزدیکی به خدا، انجام واجبات دینی و تلاش برای حل رابطه بین شریعت و طریقت می‌باشد. او سعی می‌کند با تعمیق دادن پروژه فکری خود یعنی پیوند عقل و ایمان و فراگیری علوم جدید، رابطه نوینی از طریقت‌های صوفی‌گری با جامعه ترکیه برقرار نماید. او درک دقیقی از حقیقت تصوف دارد و ضمن تأیید تصوف با اسامی طریقت، ولایت، سیروسلوک و... آن‌ها را حقایق شیرین و نورانی بیان می‌کند اما در ادامه تنها راه رسیدن به حقیقت را استفاده از قرآن می‌داند و گاهی نیز نگاه‌های آسیب‌شناسانه و اصلاح‌طلبانه خود را به برخی از این طریقت‌ها بیان می‌دارد. گولن نیز با تأثیرپذیری از اندیشه‌های نوری، دشمنان امت اسلامی را جهل، فقر و تفرقه می‌داند و بر آن است که جمع میان حقیقت،

تأثیر عرفان نوری بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۷۷

معرفت، تربیت و دانش، پایه‌های اصلی سعادت‌اند و این جمع در توازن میان ایمان، دانش و عقل حاصل می‌شود. او راه‌حل را در تربیت متکی بر روشنگری عقلی-فکری-قلبی و در عمل متکی بر بخشش و اتحاد می‌داند و همانند استاد خورد نوری، جریان اسلام‌گرایی را از مجاری فرهنگی و اجتماعی پیگیری می‌کند و چندان علاقه‌ای به دخالت مستقیم در سیاست ندارد و حتی تسامح و گفت‌وگو را نیز به ارزش‌های قبلی افزوده است. اهمیت تأثیر عرفان نوری بر اندیشه‌های گولن را می‌توان از میزان نفوذ او در جامعه و جهان اسلام پی برد و به این مطلب برسیم که سیاست‌های ارائه شده در دکتترین اسلام اجتماعی، توانسته نظر موافق بسیاری از کارشناسان، متفکران و اندیشمندان جهان اسلام را به خود جلب نماید.

کتاب‌نامه

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳)، *الاشارات و التنبيهات مع شرح الخواجه نصير الدين الطوسي و المحاکمات لقطب الدين الرازي*، جلد ۳، با تحقیق کریم فیضی، قم: مطبوعات دینی.
- ارول قلیچ، محمود (۱۳۷۵ - ۱۳۸۲)، «تصوف در آسیای صغیر و بالکان»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۷، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- ازدالگا، الیزابت (۱۳۸۹)، *نقشبندیه در آسیای غربی و مرکزی، تغییر و تداوم*، ترجمه فهیمه ابراهیمی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- اطهری، اسدالله و بولنت ارس و عمر کاهان (۱۳۸۴)، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح الله گولن»، *مطالعات خاورمیانه*، ش ۳۲، ص ۵۹-۸۲.
- امام جمعه زاده، جواد و محمودرضا رهبر قاضی و رضا محمود اوغلو (۱۳۸۹)، «چرخش گفتمانی در راهبردهای اسلام‌گرایی ترکیه و علل آن»، *آفاق امنیت*، سال سوم، دوره جدید، ش ۶، ص ۱۳۹-۱۵۴.
- امام جمعه زاده، سید جواد؛ محمودرضا رهبر قاضی (۱۳۹۲)، «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۱، ش ۳، ص ۴۵-۷۲.
- انتخابی، نادر (۱۳۹۲)، *دین، دولت و تجمد*، تهران: هرمس.
- بوکاری، کندو (۱۲۱۰ م)، «المنهج الواقعي فی دراسة قضایا الايمان رسائل بدیع الزمان النورسی نمودجا»، *مجله النور للدراسات الحضاریة و الفکرية*، ش ۱، استانبول: موسسه استانبول للثقافة و العلوم.
- خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۰)، «ببرهای آناتولی: همزیستی اسلام ترکی با نظام بازار آزاد: موردکاوی جنبش فتح‌الله گولن»، *چشم انداز ایران*، ش ۶۷، ص ۱۱۷-۱۳۷.

- زارع، محمدرضا (۱۳۸۲)، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، ویراستار: مرتضی قدیری، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- سجادی، ضیاء‌الدین (۱۴۲۳ ق)، *مقدمات تاسیسیه فی التصوف و العرفان و الحقیقه المحمدیه*، احمد الاشتیانی؛ کریم الامیری فیروزکوهی، بیروت: دارالهادی.
- سرمد محمدی، حسین (۱۳۹۳)، *آرای عرفانی بدیع‌الزمان سعید نورسی بر پایه کلیات رسائل النور*، پایان نامه ارشد، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- فکری، محمد و مینا اینانلو، احمد فکری (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه‌شناسی جنبش فتح‌الله گولن بر مبنای نظریه بسیج منابع»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، ش ۳، ص ۷۵-۹۹.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۸۹)، «ماهیت‌شناسی جنبش اسلامی فتح‌الله گولن در ترکیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، س ۱۱، ش ۴۳، ص ۲۰۵-۲۲۲.
- فلاح‌پیشه، صفرو حشمت‌الله ولدبیگی (۱۳۹۲)، «آثار فکری گولنیسم و جنبش نور در سیاست و حکومت ترکیه»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، س ۲، ش ۶، پ ۳۶، ص ۸۹-۱۱۵.
- قهرمان پور، عسگر (۱۳۹۰)، «پدر اسلام سیاسی یا اجتماعی»، *مهرنامه*، ش ۱۰.
- کدیور، محمدعلی (۱۳۸۶)، «پدر نسل طلایی جنبش آموزشی فتح‌الله گولن در ترکیه»، *شهرنورد امروز*، ش ۳۹.
- کلانتری، وحید (۱۳۹۴)، *گزارش راهبردی: بررسی جریان تربیتی، آموزشی فتح‌الله گولن در ترکیه*، تهران: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی.
- کمالیان، عزیز و عباس صالحی نجف‌آبادی (۱۳۹۴)، «رابطه عرفان و سیاست در اندیشه سیاسی با تاکید بر دولت امامت‌گرای عرفان محور اسماعیلیان نزاری (حسن صباح)»، *عرفانیات در ادب فارسی*، ش ۲۴، ص ۱۵۱-۱۷۲.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۷)، *سرزمین‌های اسلام: شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- لطفی، منا (۱۳۸۹)، «جنبش گولن؛ اسلام اجتماعی یا اسلام سیاسی تقیه‌جو»، *پگاه حوزه*، ش ۱۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *آشنایی با علوم اسلامی*، قم: صدرا.
- موثقی گیلانی، احمد و امین اعتمادی‌فرد (۱۳۹۳)، «زمینه‌های تفاوت اسلام‌گرایی در ایران و ترکیه»، *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، س ۲، ش ۴.
- میغا، محمد حمد کنان (۱۲۱۰ م)، «مقاصد الحیاة و غایاتها فی فکر بدیع الزمان سعید النورسی من خلال رسائل النور»، *مجله النور للدراسات الحضاریة و الفکرية*، ش ۱، استانبول: موسسه استانبول للثقافة و العلوم.
- نکویی، سید احمد و میرهادی موسوی قرالری (۱۳۹۳)، «جنبش گولن و عملکرد آن در جمهوری آذربایجان از منظر نظریه بسیج منابع و تعهد اجتماعی»، *آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۸۸.

تأثیر عرفان نرسی بر اسلام اجتماعی ترکی؛ با محوریت ... ۷۹

نوازی، بهرام و نوژن اعتضادالسلطنه، معصومه صالحی (۱۳۹۳)، «فتح الله گولن وجنبش اجتماعی سیاسی وی در ترکیه»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۵۱ - ۱۷۳.

نورالدین، محمد (۱۳۸۲)، *ترکیه جمهوری سرگردان*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۲)، «فراز و فرود جریان‌های اسلامی در ترکیه معاصر و نسبت آن با انقلاب اسلامی»، *پژوهش‌های منطقه‌ای*، ش ۲.

نوروزی، فیروز (1391)، «اسلام ترکی تقابل با اسلام انقلابی (مروری بر اندیشه‌های فتح الله گولن)»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، سال ششم، ش 1، ص 61 - 78.

واحدی، الیاس (۱۳۸۴)، *کتاب آسیا (ویژه مسائل ترکیه)*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.

وفایی، داود (۱۳۸۰)، *ریشه‌های غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ولدبیگی، صفر (1395)، *تأثیر اندیشه‌های سیاسی: اسلامی بدیع الزمان سعید نرسی بر اسلام سیاسی با تاکید بر حزب عدالت و توسعه*، تهران: نشر احسان.

Serif MardenM; reflection on said Nursis life and thaught; in: Islam at the crossroads, edited and with in introduction by: ibrahim m. abu-rabi, published by state university of new york press, 20